



مقاله

# عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان ایران زمین:

## نیم‌نگاهی به یک تحقیق علمی

### پرویز پیران - بخش دوم



#### کارپایه روش شناختی تحقیق

در بخش نخست نوشتار حاضر به کارپایه یا چارچوب مفهومی پژوهش علمی عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری زنان ایران زمین اشاره شد و نظر به‌های مطالعات زنان مرتبط، مورد بحث قرار گرفت. در بخش حاضر، به کارپایه روش شناختی پژوهش پرداخته می‌شود. از آنجا که جمعیت مورد نظر زنان متأهل ایرانی را در برمی‌گیرد و بررسی قدرت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آنان به نحوی که در شماره قبل تعریف شده‌اند، هدف پژوهش تلقی می‌گردد، طبعاً پژوهش انجام گرفته، می‌بایست روش توصیفی - تحلیلی را برمی‌گزید. روش توصیفی چنان‌که از نامش پیداست به توصیف آنچه که هست، همت می‌گمارد و وظیفه اصلی معرفی ویژگی‌های جمعیت مورد نظر را برعهده دارد. ویژگی‌هایی چون سن، تحصیلات، شغل، درآمد، نحوه سکونت، ویژگی‌های همسران، شغل یا کسب و کار و تحصیلات آنان، تعداد فرزندان، نحوه ازدواج و نظایر آنها. به بیان دیگر روش توصیفی به معرفی یا شناساندن جمعیت مورد مطالعه اقدام می‌کند. لیکن روش تحلیلی، ویژگی‌های یادشده را به ویژگی‌های دیگر جمعیت پیوند می‌زند. تمامی ویژگی‌هایی که توصیف می‌شوند و به یکدیگر پیوند زده شده تحلیلی به دست می‌دهند را «متغیر» می‌گویند. در واقع متغیرها اندازه‌های گوناگونی را به خود اختصاص می‌دهند. ربط دادن متغیرها برپایه فرضیه‌های تحقیق انجام می‌شود. فرضیه نیز چیزی جز حدس رابطه بین دو متغیر نیست. برای مثال چنانچه گفته شود، زنان متأهل تحصیل کرده قدرت تصمیم‌گیری بیشتری آن هم در «مقام مقایسه یا زنان بی‌سواد یا با تحصیلات کم دارند، فرضیه‌ای خلق شده است. با مشخص شدن روش تحقیق، انتخاب فن گردآوری اطلاعات در دستور قرار می‌گیرد. از آنجا که موضوع تحقیق نیازمند توصیف و تحلیل جمعیتی

پر شماره‌است، پیمایش اجتماعی یا تحقیق مبتنی بر پرسشنامه، انتخابی طبیعی تلقی گردید و برپایه وجود و ابعاد مختلف موضوع (قدرت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان متأهل ایران زمین)، پرسشنامه‌ای فراهم آمد. در شماره قبل موضوعاتی معرفی شدند که شاخص تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری زنان متأهل به‌شمار می‌روند. مباحثی چون تصمیم‌گرفتن در مورد محل زندگی، هزینه کردن درآمد، نظارت بر تحصیل فرزندان، انتخاب مقصد سفرهای خانوادگی و نظایر آنها که در واقع بنیاد فرضیه‌های پژوهش محسوب می‌شوند. از سوی دیگر هر یک از شاخص‌های یادشده به گونه‌ای درجه‌بندی شده‌اند تا میزان بسیار کم و بسیار زیاد و حالات بین این دو را نشان دهند. سپس از یک سو هر یک از حالات یادشده با ویژگی‌های شناسایی جمعیت یعنی سن، تحصیلات، درآمد، مدت تأهل و نظایر آنها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر برای هر فرد یا به زبان روش‌شناسی، برای هر واحد جمعیت، امتیاز نهایی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشخص شده، مجموعه امتیاز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مجدداً با ویژگی‌های شناسایی به اصطلاح روش‌شناسی تقاطع داده شده‌اند و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بدین طریق می‌توان به بررسی وجود، ابعاد و نوع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اقدام کرد و از سوی دیگر شناختی کلی از گستره تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری زنان متأهل ایرانی به دست داد. در کنار امتیاز نهایی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، نمونه مورد بررسی براساس امتیازدهی به برخی شاخص‌ها به زنان مدرن و سنتی تقسیم شده‌اند، تا مشخص شود که قدرت تصمیم‌گیری در چه گروه‌هایی از زنان بالاتر است. قبل از ادامه بحث باید تأکید شود که پس از تدوین پرسشنامه اولیه، پرسشنامه یادشده به پانزده نفر از زنان آشنا به تحقیق به‌عنوان «داور داده شد تا به ارزیابی پرسشنامه پرداخته، آن را نقد کنند. بدین شکل پرسشنامه جدیدی به کف آمد (نسخه دوم پرسشنامه). سپس با انتخاب یکصد و پنجاه زن با

با سطوح تحصیلی متفاوت و در یک کلام زنان متأهل متفاوت وجود دارند، برای تکمیل پرسشنامه‌ها انتخاب گردیدند. ناگفته نماند که چنانچه به جمعیت هر پژوهشی برای حضور در نمونه، شانس مساوی داده شود، نمونه به دست آمده براساس منطق آماری، قابل تعمیم است. پژوهش زنان علاوه بر شرط بالا کوشیده است تا واحدهای موجود در نمونه یا زنان متأهل را به گونه‌ای برگزیند که فراتر از منطق آماری یادشده، نمونه به میناتورری کاملاً شبیه جمعیت پژوهش از کار در آید. لیکن علیرغم قابلیت تعمیم کامل نمونه، در پایان تصمیم گرفته شد تا بهنگام نگارش گزارش به گونه‌ای رفتار شود که گویی تنها سخن از زنان شرکت کننده در تحقیق در میان است و قصد تعمیم وجود ندارد. گرچه احتیاط تا بدین حد، ضرورتی ندارد، اما به دلیل آنکه در زمینه مورد بحث در ایران پژوهشی انجام نشده است تا امکان مقایسه‌ها و بازبینی یافته به کف آید، چنین احتیاط‌هایی بر ارزش تحقیق می‌افزاید.

با این هدف که نوشته حاضر ضمن

ویژگی‌های فردی کاملاً متنوع به‌عنوان پایلوت یا نمونه آزمون، پرسشنامه نسخه دوم، تکمیل و به‌عنوان پیمایشی مستقل، کاملاً ارزیابی گردید. بدین معنا که پس از تکمیل پرسشنامه کلیه مراحل عمل آوری داده‌ها با اطلاعات به دست آمده، شامل کدگذاری، بسته کردن و کدگذاری سؤالات، باز، تدوین جداول یک بعدی یا جداول شناسایی، تقاطع داده‌ها حول فرضیه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یا تقاطع دادن متغیرهای مستقل (ویژگیهای فردی) با متغیرهای وابسته (متغیرهای فرضیه آزمایی) و بالاخره توصیف و تحلیل تمامی داده‌های به کف آمده به فرجام رسید. پس از بررسی نتایج پایلوت یا نمونه آزمون، و آنچه که آزمون اولیه پرسشنامه خواننده می‌شود، مجدداً پرسشنامه مورد بازبینی قرار گرفته و نسخه سوم آن آماده گردید.

با نهای شدن پرسشنامه و بازاندیشی کل فرایند تحقیق، محاسبه حجم نمونه در دستور قرار گرفت. جمعیت زنان متأهل مبنای چنین محاسبه‌ای است. برای این کار از فرمول ارائه شده توسط کوکران (William G. Cochran) استفاده شد و بر پایه بهترین ضرایب و در سطح اطمینان ۹۵ درصد و حجم نمونه برابر ۳۱۰۰ واحد یا ۳۱۰۰ زن متأهل به دست آمد. از آنجا که موضوع پژوهش زنان فوق‌العاده پیچیده و حساس است، پیش‌بینی گردید که تمامی پرسشنامه‌هایی که پرسش‌های کنترل‌کننده در آنها بر مسئله وارد بودن آن پرسشنامه‌ها گواهی دهند، حذف گردند ولی در همین حال حجم نمونه محاسبه شده کاهش پیدا نکند. از این روی به جای ۳۱۰۰ پرسشنامه ضروری، ۴۵۰۰ پرسشنامه توسط دانشجویان گرفتار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی به علاقه‌مندی و وجدان حرفه‌ای مثال‌زدنی تکمیل شدند برای آنکه تمامی متن‌های اجتماعی و قومی که زنان متأهل در آنها روزگار می‌گذرانند در نمونه معرف یا نمونه قابل تعمیم وجود داشته باشد و از هر حیث قابلیت تعمیم نمونه به حداکثر ممکن میل کند، ۶۸ شهر و ۵۱ روستا در جامعه‌ای چند قومی، چند فرهنگی که در آن طبقات گوناگون، اقشار اجتماعی مختلف

**هدف اصلی از تحقیق عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری زنان متأهل ایران زمین، نشان دادن این واقعیت است که زنان ایران زمین به مانند زنان تمامی سوزمین‌ها آن هم علیرغم مشکلات تاریخی، محرومیت‌ها و محدودیت‌ها، انسان‌هایی پویا، خلاق، آگاه با تمایلات جدی ساختن دنیای بهترند و نگاه ارائه شده در مورد زن ایرانی به عنوان موجودی منفعل، سرکوب و تحقیر شده، ناتوان و عقب مانده، گرچه در مورد اقلیتی درست است، سخت یکسویه، ساده شده و حتی سوءاستفاده از شرایط زنان از جمله سوءاستفاده سیاسی و رسانه‌ای را فراهم می‌آورد**

معرفی تحقیق زنان برای دانشجویان یا علاقمندان به پژوهش علمی نیز قابل استفاده باشد و مراحل تحقیقی علمی کاملاً بیان شود، اضافه می‌نماید که پرسشنامه پژوهشی - علمی، از چهار بخش تشکیل می‌شود. در نخستین بخش مقدمه‌ای ارائه می‌شود که پژوهش را صادقانه معرفی می‌کند و به نحوی موجز اهداف پژوهش را بیان می‌دارد. بخش دوم پرسشنامه شامل پرسش‌های شناسایی است که ویژگی‌های پاسخگویان به پرسش‌های پرسشنامه یا جمعیت نمونه را به دست می‌دهد. بخش سوم حاوی سؤالات فرضیه‌آزمایی است و بالاخره بخش چهارم به پرسش‌های کنترل‌کننده اختصاصی دارد. باید اضافه کرد که علاوه بر پرسش‌های کنترل‌کننده که آگاهانه در پرسشنامه گنجانیده می‌شود، هر پرسشنامه‌ای فی‌نفسه دارای قدرت کنترل درونی است که از ماهیت پرسش‌ها نشأت می‌گیرد. برای مثال به هنگامی که در پرسشنامه‌ای در پاسخ به سؤال وضعیت متأهل، ۵۰ نفر مجرد و ۲۰ نفر خود را مجرد معرفی کرده‌اند (حجم نمونه ۸۰ نفر فرض شده است)، در پاسخ به پرسش دیگری چون تعداد فرزندان و یا میزان رضایت از همسر و نظایر آن، ۲۰ پاسخ باید گزینه بی‌مورد را به خود اختصاص دهد. زیرا چنین پرسش‌هایی در مورد مجردها موضوعیت ندارد. این مسئله گویای همان کنترل درونی پرسشنامه است. علاوه بر آنکه در هر تحقیق باید به بحث درونی و پایایی نیز پرداخت. از این روی پس از انجام پیش‌آزمون به مجانبه پایایی و روایی صوری سؤالات پرسشنامه ساخته شده یا مراجعه به جامعه آماری انجام شده است. این کار معمولاً از طریق محاسبه ضریب پایایی صورت می‌پذیرد. خلاصه آنکه پژوهش زنان کوشیده است تا تمامی ویژگی‌های پژوهشی شناختی انجام پیمایش اجتماعی یا تحقیق پرسشنامه‌ای را کاملاً رعایت نماید. حال علیرغم رعایت تمامی جوانب روش‌شناختی، تا چه میزان در کار خود موفق بوده است، پرسشی است که دیگران باید بدان پاسخ دهند.

به هر تقدیر پرسشنامه نهایی با ۸۰ سؤال باز و بسته توسط ۴۵۰۰ پاسخگو یعنی زنان متأهل که در زمان تحقیق با همسران خود زندگی می‌کردند، به شیوه مصاحبه حضوری تکمیل گردید. همانگونه که بیان گردید، حجم نمونه ۳۱۰۰ واحد تعیین شده بود که باید به نسبت جمعیت زنان متأهل در شهرها و روستاهای محل تحقیق توزیع می‌شد. از آنجا که جمعیت زنان متأهل در تمامی شهرها و روستاهای مورد نظر مشخص نبود، سهم لازم هر شهر و روستا براساس تعداد خانوار در هر شهر و روستا توزیع گردید. بدیهی است که تعداد خانوارها در هر نقطه از تعداد زنان و شوهرانی که در زمان انجام تحقیق با هم زندگی می‌کردند، بیشتر می‌باشد، زیرا بنا به تعریف سرشماری سال ۱۳۷۵ که در زمان تحقیق در دسترس بوده است و در آن زمان آخرین سرشماری محسوب می‌شده است، معنای خانوار در برگیرنده خانواده‌های ناقص (سرگ همسر و طلاق) نیز می‌باشد. لیکن تفاوت تعداد خانوار در زمان تحقیق (سال

۱۳۷۵) با تعداد خانوار مندرج در اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵، تا حدودی این مشکل را مرتفع می‌سازد، گرچه نه به‌طور کامل. تخمین نزدیک به واقعیت جمعیت روستاهای برگزیده، به علت کمی جمعیت و براساس بعد خانوار به مراتب ساده‌تر از شهرها بوده است. پس از مشخص شدن سهم هر شهر و روستا، انتخاب تصادفی پاسخگویان در دستور کار قرار داشت که در شهرها با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، مشخص ساختن کل خانوارهای هر خوشه و تقسیم آن به سهم نهایی هر شهر از کل پرسشنامه‌ها، کل نمونه مورد نظر و انتخاب تصادفی اولین پاسخگو به فرجام رسید، بدین معنا که مثلاً سهم شهر خاصی ۱۰۰ پرسشنامه می‌باشد و در کل خوشه‌های تصادفی انتخاب شده ۱۰۰۰ خانوار زندگی می‌کنند پس از هر ۱۰ خانوار یکی برگزیده می‌شود. می‌توان مدعی شد که در تدوین طرح تحقیق و کارپایه روش شناختی، تمامی اصول انتخاب تصادفی پاسخگویان رعایت گردیده است. با شناختی که از دانشجویان شرکت‌کننده در تحقیق وجود دارد و با توجه به رابطه نگارنده با دانشجویان گرانقدر پیش‌گفته، حداقل در مورد آن گروه از دانشجویان که پرسشنامه تکمیل شده آنان مورد پذیرش قرار گرفته است و قبلاً و یا در زمان انجام تحقیق کلاس‌هایی با نگارنده گذرانده بودند، ادعای رعایت جوانب گوناگون پژوهش علمی تا بدانجا که در توان داشته‌اند و بر پایه آگاهی آنان از پیمایش اجتماعی، ادعای گزافی نخواهد بود. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، با ۱۴۰۰ پاسخگو بیش از حجم نمونه محاسبه شده، (حجم نمونه لازم ۳۱۰۰ بوده است، لیکن ۴۵۰۰ پرسشنامه تکمیل شده است) مصاحبه برای تکمیل پرسشنامه‌ها به فرجام رسیده است. در پایان با استخراج اولیه داده‌ها و پس از بررسی یکایک پرسشنامه‌ها بویژه توجه به پرسش‌های کنترل‌کننده و کنترل‌های درونی پرسشنامه‌ها، ۳۲۲۰ پرسشنامه پذیرفته شد و ۱۲۸۰ پرسشنامه حذف گردید. از تعداد پرسشنامه‌های حذف شده ۶۹۰ پرسشنامه به دلیل عدم اعتماد و بقیه به دلیل ناقص بودن از مجموع پرسشنامه‌ها خارج شدند. در چنین مواردی بررسی پرسشنامه‌های حذف‌شده الزامی است، زیرا حذف پرسشنامه‌ها در صورتی به تحقیق آسیبی نمی‌رساند که دارای پراکنش طبیعی در

مجموع داده‌ها باشند. برعکس چنانچه بررسی پرسشنامه‌های حذف شده نشان دهد که ویژگی‌های خاصی یا پاسخ به پرسش‌های معینی و یا لاخره پاسخگویان مشخصی حذف شده‌اند، پژوهش با مسئله‌ای جدی روبه‌رو خواهد گردید که نشان‌دهنده نوعی تورش یا یکسویه بودن و داشتن طرفیت است. خوشبختانه بررسی پرسشنامه‌های حذف شده به روشی نشان داد که موارد بالا موضوعیت نداشته است. در اینجا اشاره به نکته‌ای خالی از لطف نیست. چنانچه افرادی از ضعف وجدان کاری رنج می‌برند یا به اصطلاح امروزی‌ها خود را زرنگ می‌دانند، وقتی بدون مصاحبه در خلوت خود با بی‌مسئولیتی تمام به تکمیل پرسشنامه‌ها می‌پردازند، برای عادی جلوه دادن موضوع، آگاهانه پاسخ‌ها را شدیداً و به نحوی غیرطبیعی پراکنده انتخاب

می‌کنند. مثلاً در مورد سن پاسخگو، سعی می‌کنند که از تمامی گروه‌های سنی یاد کنند که مسئله کاملاً عادی تلقی شود. لیکن در عالم واقع پراکنش ویژگی‌ها به ندرت به صورت کامل یا صد در صد رخ می‌دهد. در نتیجه اصرار تعداد کمی محقق نما بر پراکنش فوق‌العاده پاسخ‌ها، سبب می‌شود که حذف پرسشنامه‌های ساخته شده آنان مسئله‌ای پدید نیآورد. لازم به یادآوری است که در مجموع پرسشنامه‌های بیش از ۱۰۰ دانشجوی گرانقدر، سخت‌کوش و صادق مورد پذیرش قرار گرفت. پس از کدگذاری‌های نهایی، بسته کردن پرسش‌های باز پرسشنامه‌ها و تعیین کدهای لازم، اطلاعات به رایانه منتقل و با استفاده از مجموعه آماری برای علوم اجتماعی (SPSS)، جداول شناسایی (یک بعدی) و جداول فرضیه آزمایشی (دو بعدی و یا بیشتر) به کف آمد و از نظر رابطه و معتاد بودن رابطه، مورد تحلیل قرار گرفت و پیمایش اجتماعی به پایان آمد. باز هم تأکید می‌شود که در کنار متغیرهای وابسته گوناگون دو متغیر یعنی قدرت تصمیم‌گیری زنان و مدرن و سنتی بودن آنان متغیرهای اصلی بودند

برخی از دانشجویان بسیار عزیز و گرانقدری که تکمیل پرسشنامه‌ها را برعهده گرفتند، در کنار تحویل پرسشنامه‌های تکمیل شده گزارش‌های ارزشمند و سودمندی از مراحل کار حاوی مسائلی که با آن روبه‌رو بودند، موانعی که بر سر راه قرار داشت و بالاخره نحوه برخورد زنان پاسخگو ارائه کرده‌اند که خود پژوهش مستقل و ارزنده‌ای است که خاطره نهادهی پژوهش را پدید می‌آورد، امری که در ایران کمتر مورد عنایت قرار می‌گیرد. بهنگام بررسی گزارش‌های یادشده، موضوعی پس مهم تقریباً در تمامی گزارش‌ها مطرح شده است و آن پذیرش بسیار دوستانه پاسخگویان و برخورد سخت‌مهربانانه و یاورانه دانشجویان از سوی زنان پاسخگو بوده است. علاوه آنکه، اکثریت قریب به اتفاق افراد نمونه به راحتی و با صداقت نسبتاً بالایی به تمامی پرسش‌ها پاسخ داده و از اینکه در تحقیقی در مورد زنان شرکت کرده‌اند، ابراز شادمانی نموده‌اند. چنین نکاتی با استخراج داده‌های پرسشنامه‌ها کاملاً تأیید گردید و پرسش‌های کنترل‌کننده و کنترل‌های درونی پرسشنامه‌ها بر صداقت بخش اعظم پاسخگویان مهر تأیید نهاد. به هنگامی که نگارنده از این امر اطمینان یافت، بدین فکر افتاد تا در کنار تحقیق پرسشنامه‌ای یا پیمایش اجتماعی که تحقیقی کمی تلقی می‌شود، به پژوهشی کیفی نیز دست زده، کوشش نماید تا گام‌های نخستین ورود عمیق‌تر به دنیای نامشهود زنان را بردارد و به موضوعاتی پردازد که هرگز موضوع بررسی‌های علمی و دانشگاهی نبوده‌اند. آن هم بدین امید که از دیدگاه‌های زنان متأهل در مورد زیستن با مرد ایرانی، دغدغه‌ها، دلمشغری‌ها، نگرانی‌ها، رنج‌های احتمالی و غم‌های آنان، آگاه شود و جامعه و مسئولان را برای برنامه‌ریزی درست‌تر از آنها آگاه سازد.

همانگونه که گفته شد، هدف اصلی از تحقیق عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری زنان متأهل ایران زمین، نشان دادن این واقعیت

**مهمترین نکته مستند کردن علمی این واقعیت است که شناخت علمی جامعه نسبت به زنان تا چه اندازه با پیشداوری‌های ناروا همراه است و همین پیشداوری‌ها زمینه سوءاستفاده بسیاری در داخل و خارج از ایران را فراهم آورده است**

**در بررسی حاضر فعلاً به تغییر نگرش مرد و زن پس از انقلاب مشروطیت و شکل‌گیری نطفه جنبش اجتماعی زنان اشاره‌ای نمی‌شود. اما آثار چنین نگرش‌هایی در فرهنگ عامه تداوم پیدا می‌کند**

است که زنان ایران زمین به مانند زنان تمامی سرزمین‌ها آن هم علیرغم مشکلات تاریخی، محرومیت‌ها و محدودیت‌ها، انسان‌هایی پویا، خلاق، آگاه با تمایلات جدی ساختن دنیای بهترند و نگاه ارائه شده در مورد زن ایرانی به‌عنوان موجودی منفعل، سرکوب و تحقیر شده، ناتوان و عقب‌مانده، گرچه در مورد اقلیتی درست است، سخت یکسویه، ساده شده و حتی ساده‌لوحانه است که زمینه انواع سوءاستفاده از شرایط زنان از جمله سوءاستفاده سیاسی و رسانه‌ای را فراهم می‌آورد. باز هم تأکید می‌شود که نغی نگاه ساده‌لوحانه یادشده به‌هیچ‌وجه به معنای نغی و نادیده گرفتن محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و ستم مضاعف بر بخشی از زنان ایران زمین نیست. مهم درک علمی و درست از شرایط زنان به‌عنوان گام نخست در فرارفتن از وضعیت موجود به وضع و شرایطی مطلوب است. چشم فرو بستن بر عوامل منفی زندگی زنان نیز یا ساده‌لوحانه و یا فرصت‌طلبانه تلقی می‌شود.

به هر تقدیر با مناسب تشخیص دادن شرایط و زمان برای انجام تحقیقی کیفی در کنار تحقیق کمی، پژوهش کمی نیز کامل‌تر شده، ابعادی که از طریق تحقیق کمی بنا به ماهیت چنین تحقیقاتی، غیر قابل دستیابی است، مورد بحث قرار خواهند گرفت. بر این پایه دو فن گردآوری اطلاعات کیفی یعنی مصاحبه عمیق و گفت‌وگوشوند متمرکز گروهی نیز در دستور کار قرار گرفته، باز هم با یاری دانشجویان<sup>(۱)</sup> گرانقدر، مسئول و آگاه دانشکده

علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی به فرجام رسید. در اولین مرحله ۴۰ مصاحبه عمیق و ۱۰ گفت‌وگوشوند متمرکز گروهی فراهم آمد و پس از پیاده‌شدن گفت‌وگوها از نوارهای ضبط‌صوت، تحلیل محتوای متن‌های به‌دست آمده به پایان رسید و یافته‌های علمی بسیار ارزنده و جالبی به کف آمد. مهمترین نکته مستند کردن علمی این واقعیت است که شناخت علمی جامعه نسبت به زنان تا چه اندازه با پیشداوری‌های ناروا همراه است و همین پیشداوری‌ها زمینه سوءاستفاده بسیاری در داخل و خارج از ایران را فراهم آورده است. ضمناً یافته‌ها مشخص ساخت که چه راه درازی فراروی جامعه بویژه در مورد زنان گسترده است. اساساً باید تأکید کرد که از نظر روش‌شناسی از اواخر دهه ۱۹۶۰ بر روی استفاده همزمان از سه فن گردآوری اطلاعات و مقایسه یافته با هم در قالب مفهوم (Triangulation) بویژه در جامعه‌شناسی تأکید فراوان شده است و آن را گامی در جهت کاهش جدی و مبارزه با تقلیل‌گرایی ذاتی تحقیقات مربوط به انسان و جامعه دانسته‌اند. چنین تقلیل‌گرایی‌ای از آن روی رخ می‌دهد که پدیده‌های مربوط به انسان، گروه، اجتماع محلی و جامعه، پدیده‌هایی چند بعدی و سخت پیچیده و عمدتاً کیفی‌اند. در پژوهش‌های اجتماعی چاره‌ای نیست مگر از طریق شاخص‌های گزینش شده به بررسی

آنها پرداخت و همین امر منبع تقلیل‌گرایی نهفته در پژوهش‌هاست. برای مثال سال‌هاست که مفهومی به پیچیدگی طبقه اجتماعی از طریق سه شاخص، یعنی سال‌های تحصیل پاسخگو، توان مالی او یا درآمد ماهیانه او (امکانات زندگی مثلاً مالکیت مسکن، داشتن اتومبیل و نوع آن) و بالاخره اهمیت شغل از بسیار مهم تا کم‌اهمیت، سنجیده می‌شود. طبیعی است که سه شاخص یادشده قادر به تصویر کشیدن تمامی ابعاد مفهومی چون طبقه اجتماعی نیست. از این روی افزودن فنون کیفی که امکان بررسی عمقی و جزئی از زندگی سوژه‌ها یا شرکت‌کنندگان در تحقیق را فراهم می‌آورد تا حدودی و فقط تا حدودی به درک گسترده‌تری از موضوع مورد پژوهش می‌افزاید و تقلیل‌گرایی نهفته در شاخص‌سازی و سنجش کمی را کاهش می‌دهد.

به‌هنگام مصاحبه عمیق و گفت‌وگوشوند متمرکز گروهی سه شیوه گفت‌وگو معمولاً به کار می‌رود. در اولین شیوه محقق فهرست کاملی از پرسش‌های مورد نظر خود را آماده می‌سازد و در ضمن گفت‌وگو به شکلی غیررسمی و دوستانه به طرح سؤالات پرداخته و پاسخ‌ها آن هم در صورت توافق مصاحبه‌شونده ضبط می‌گردد. علاوه بر محقق اصلی که بدان ناظم جلسه (Moderator) یا هماهنگ‌کننده می‌گویند، یک یا دو نفر دیگر که ضبط‌کننده مطالب تلقی می‌شوند، حضور دارند. در صورت ضبط مطالب، ضبط‌کننده مرتباً ضبط‌صوت را بررسی کرده تا از ضبط کامل مطالب اطمینان یابد. در حالی که پاسخگو با ضبط مطالب موافق نیست و یا محقق تشخیص می‌دهد که وجود ضبط‌صوت ممکن است بر صحت مطالب گفته شده و فضای جلسه تأثیر گذارد. ضبط‌کنندگان به یادداشت‌برداری می‌پردازند تا از ثبت تیماسی مطالب مطمئن شوند. در حالت دوم که به آن «حرف حرف می‌آورد» (Snowballing) می‌گویند، محقق پس از تأمل کافی فقط یک پرسش آغازین که کاملاً به موضوع تحقیق مربوط است را آماده می‌کند و بقیه پرسش‌ها از پاسخ پاسخگو به پرسش اول فی‌البداهه استنتاج می‌گردد.

معمولاً پس از پاسخ به پرسش آغازین، در پاسخی که ارائه می‌شود یک یا دو موضوع یا بیشتر وجود دارد که هم جالب‌اند و هم به تحقیق مربوط بوده یا بالاخره پاسخ‌بدان‌ها برای تحقیق اهمیت دارد. لذا هماهنگ‌کننده به طرح آنها می‌پردازد. مجدداً براساس پاسخ به پرسش‌های بعدی، سؤالات بیشتری شکل می‌گیرد و پرسش می‌شود. این روال آنقدر تکرار می‌شود تا هماهنگ‌کننده متوجه شود که برای طرح سؤال جدید باید مقدار زیادی تأمل کند. این امر نشان‌دهنده به پایان رسیدن گفت‌وگوست. البته هماهنگ‌کننده که باید به موضوع تسلط کامل داشته باشد، به هنگامی که اطلاعات کافی در مورد موضوع

**در تحقیق کیفی تعدادی از زنان پاسخگو به وضوح اعلام کرده‌اند که مادران آنان از کودکی چنان ذهنیتی در مورد مرد، همسر آتی آنان و خانواده او، پدید آورده و در آنان نهادینه کرده‌اند و همخوان با چنین ذهنیتی رفتارهایی به ایشان آموخته‌اند که فرصت تجربه زندگی مشترک همراه با عشق، محبت و همدلی را برای ابد از آنان دریغ داشته‌اند. تعدادی از زنان تعلیمات مادران خود را به بهترین وجه تشریح کرده، نتیجه گرفته‌اند که به‌هنگام ازدواج، احساس ورود به میدان جنگی نابرابر داشته‌اند. مشابه همین ذهنیت نیز با تکرار تصاویر بالا از زن در ذهن مردان شکل گرفته و پایدار می‌شود. جمالتی چون «گربه را دم حجله باید کشت» از یک‌سوی بر ضرورت ترس زن از شوهر و «با لباس سفید عروسی رفتن و با کفن از خانه شوهر بیرون آمدن» بر لزوم سوختن و ساختن تأکیدی مداوم و تکرار شونده دارند**

تحقیق را به دست آورد، جلسه را ختم شده اعلام می‌کند. در گفت‌ووشنوه متمرکز گروهی همین شیوه به کار می‌رود، لیکن به جای یک نفر تمامی اعضای گروه که معمولاً بین ۸ تا ۱۲ نفرند باید در یکایک بحث‌ها و به هنگام طرح هر سؤال، فعالانه پاسخ ارائه کنند. حالت سوم ترکیبی است از شیوه «حرف حرف می‌آورد» و تمددای پرسش مهم از پیش تعیین شده. شیوه سوم در تحقیق کیفی زنان به کار رفته است. پرسش آغازین به میزان تصمیم‌گیری پاسخگو در زندگی زناشویی مربوط بوده است. باید افزود که مفهوم (Snowballing) در معنای لغوی شکل‌دادن به گلوله برفی و حرکت‌دادن آن روی برف و بزرگ‌شدن گلوله به‌طور مداوم معنای دهد. معمولاً بچه‌ها و نوجوانان و در مواردی بزرگسالان در روزهای برفی با شور و شوق فراوان بدین کار می‌پردازند و از گلوله برفی کوچک، توده به هم فشرده و عظیمی از برف می‌سازند. اما در روش‌شناسی معنای این واژه انگلیسی از موضوعی به موضوع دیگر فرقی می‌کند. در اولین کاربرد، این مفهوم زمانی به کار می‌رود که محقق برای تدوین منبع‌شناسی موضوع تحقیق یا مطالعه و بررسی خود، ابتدا به یک منبع دست می‌یابد. اما با رجوع به فهرست منابع انتهایی همان منبع اولیه یا با نگاه به منبع‌شناسی آن مثلاً با ده، دوازده منبع مرتبط با موضوع آشنا می‌شود و فهرست او به یازده یا سی‌زده منبع افزایش می‌یابد. (گلوله برفی بزرگتر می‌شود)، سپس از بین ده، دوازده منبع جدید، چند منبع مهم و مستقیماً مرتبط با موضوع را شناسایی و بررسی می‌کند. باز هم هر یک از منابع حاوی چندین منبع جدید است که به فهرست اضافه می‌شود منبع‌شناسی قابل توجهی فراهم می‌آید. در معنای دوم مفهوم انگلیسی مورد بحث، نگارنده در مجموعه مقالاتی با عنوان «نگاهی به فنون گردآوری اطلاعات در علوم اجتماعی» (۱۱) به هنگام بحث از فنون کیفی از جمله مصاحبه عمیق، معادل «حرف حرف می‌آورد» را انتخاب کرده است. زیرا با طرح سؤال و آغاز گفت‌وگو هر حرفی به حرف‌های دیگری یا هر پرسشی به پرسش‌های جدیدی جان می‌بخشد و مصاحبه عمیق یا گفت‌ووشنود گروهی ادامه می‌یابد. بدین شکل یعنی با انجام پژوهش کیفی، تحقیق زنان تکمیل شد. قبل از شروع تحقیق کیفی، راهنمای گام به گام نسبتاً کاملی که نگارنده آن را نوشته است در اختیار یکایک اعضای گروه قرار گرفت و طبعی کارگاه‌های آموزشی چندساعتی با دانشجویان به بحث گذارده شد تا کاملاً نسبت به فنون مورد استفاده آشنایی لازم به کف آورند. نحوه انتخاب زنان برای مصاحبه عمیق و گفت‌ووشنود متمرکز گروهی نیز همانگونه که اشاره شده تنوع ویژگی‌های شناسایی از جمله سن، طبقه اجتماعی، تحصیلات، محل تولد و زندگی و نظایر آن بود.

بالاخره باید قبل از پایان گرفتن کارپایه روش‌شناختی پژوهش زنان، بدین موضوع اشاره کرد که تحلیل محتوای گزیده‌ای از متون قدیمی‌تر (متون ادبی و تاریخی) از سوی نگارنده به فرجام رسید و تعدادی از دانشجویان نیز برخی دیگر از متون را تحلیل محتوا کردند. نگاه به زن مستتر در متون یادشده راهنمای کار تحلیل محتوای کیفی بود. منظور از تحلیل محتوای کیفی، جمع‌آوری بخش‌هایی از هر متن در رابطه با زنان و تحلیل کیفی آنهاست، زیرا تحلیل محتوای متون می‌تواند تا مرحله کمی کردن و تدوین جداول شناسایی و فرضیه‌آزمایی حول واحدی چون واژه یا مفهوم به پیش رود و شبیه پیمایش اجتماعی یا تحقیق پرسشنامه‌ای (Survey) گردد. به همین دلیل به تحلیل محتوای متون پیمایش معکوس نیز می‌گویند. لیکن تحلیل محتوا در پژوهش زنان در سطح کیفی متوقف

گشته است که اگر پیمانه پر نشده باشد و این میهمانی کوتاه به پایان خویش نرسد، روزی تکمیل خواهد گشت.

#### یافته‌های پژوهش: مروری گذرا

پژوهش زنان با توجه به حجم بالای نمونه مورد بررسی، استفاده از فنون کیفی و بالاخره تحلیل محتوای کیفی برخی از متون قدیمی و جدید، پژوهشی بسیار گسترده از کار درآمده است. از این روی مرور تمامی یافته‌ها و نتایج آن از فرصتی که معمولاً به مقاله اختصاص داده می‌شود، بسی فراتر رفته با آن همخوانی ندارد. در نتیجه و به ناگزیر چاره‌ای جز گزینشی محدود آن هم در حد کلیات باقی نمی‌ماند. از سوی دیگر چنین گزینشی ناتمام و ناقص خواهد بود که خطر برداشت‌های نادرست یا سوء برداشت را تقویت می‌کند. لذا در این مرحله کوشش شده است تا یافته‌هایی که به توضیح و شرح و بسط گسترده نیازمندند، مطرح نشود. ناگفته پیداست که با چنین تصمیمی برخی از مهمترین و بدیع‌ترین نتایج به بحث گذاشته نخواهند شد.

با این مقدمه مرور یافته‌ها ارائه می‌شود. همانگونه که در بخش نخست یا کارپایه مفهومی و نظری پژوهش زنان عنوان گردید، یکی از دلایل پرداختن به مسئله زنان در ایران، وجود تصاویر متناقض، متضاد، یک سویه و حاوی پنداشته‌های ناروا در مورد زنان است که با ارائه نمونه‌هایی که به خوبی تصاویر منفی یادشده را نشان می‌دهند و حاصل تحلیل محتوای متون می‌باشند به مستندسازی ادعای طرح شده، اقدام می‌گردد. اولین تصویری که از زن در متون قدیمی ارائه شده است و برای قرن‌ها از طریق تکرار آن هم به کرات، تثبیت گردیده است، نشان‌دادن زن به عنوان موجودی فوق‌العاده فریب‌کار و شیطانی است. اولین منبع تحلیل محتوا شده کتاب «سنن‌النبی» است که به قول مرحوم استاد مجتبی مینوی نویسنده آن احتمالاً برزویه حکیم بوده است. اهمیت کتاب در آن است که در قبل از اسلام نگاهشده و نشان می‌دهد که تصویر ارائه شده از زن حداقل به گواهی این متن قدیمی‌تر از نگاه ارائه شده در پس از اسلام می‌باشد. نکته دوم آن است که کتاب یادشده، قصه‌ای است که در نزد توده مردم رواج داشته است. گرچه مطالب کتاب مبنای علمی ندارد و چنین ادعایی نیز نمی‌کند، لیکن اتفاقاً چنین متونی در شکل‌دهی به انگارگان مردم هادی نقشی بس تعیین‌کننده دارند. جالب آنکه کتاب در قالبی قصه‌وار سعی در «اثبات خدعه و مکر زنان» دارد. نکته دیگر آنکه کتاب به زبان‌های متعددی ترجمه شده و روزگاری در اقصا نقاط جهان شناخته شده بوده است. مطالب ارائه شده از ترجمه فارسی کتاب به دست محمدبن هلی بن محمد الظهیری السمرقندی (۱۱) نقل می‌شود:

دیو از فعل زن ریمده شود

چون بر آمیزد او یکی تلبیس

در فریب و فسون و مکر و حیل

بندگی همانمایدش ابلیس (ص ۹۴)

زن چو میخ‌ست و مرد چون ماه‌ست

ماه را تیرگی زمین بود

بدترین مرد اندر این عالم

به بهین زنان دریغ بود (ص ۹۴)

«که زنان را در مکر و غدر تصنیف‌ها و در خداع و حیل تألیف‌هاست، بدان درجه که ابلیس با کمال مسعودی و استادی، در معمای مکر زنان سررشته کیامت، گم کند.» (ص ۹۱-۹۲)

که به حقیقت دامستان مکر ایشان (زنان) از اشراف، فهم و ادراک و هم زیادت است و عاقل ترین مردان در جوال محال ایشان رود. و به عشو و لاوله ایشان مغرور گردد. (ص ۵۵، ۵۶)

که حیل و مکر زنان را غایت و نهایت نیست. (ص ۱۲۲) تاکید بر مکر زنان تقریباً در تمامی متون تحلیل محتوا شیده به کرات تکرار شده است که فرصت پرداختن به آنها وجود ندارد.

تصویر دوم از زن، کاملاً با تصویر اول در تناقض است، لیکن در متون مختلف علیرغم تناقض بین دو تصویر ارائه شده در باب زن، هر دو تصویر با هم آورده شده‌اند. تصویر دوم بر ناقص عقل بودن زنان، تأکیدی تمام و کمال می‌نماید. باز هم سندیادنامه در این باب چنین آورده است: «از بهر آنکه زنان، اگرچه ناقصات عقل اند، بر کمال عقول رجال خستند و عقلا را به حجاب گفتار، چون گفتار، در جوال محال خود کنند.» (ص ۱۱۱)

انسان برجسته و عارفی کم نظیر چون نورالدین عبدالرحمن جامی در مثنوی «مسلمان و ابلهان» از قول حکیمی خرده مند زن را به شکل زیر توصیف می‌کند. چنین نگاهی در سایر آثار او نیز نمودی بارز دارد: چاره نبود اهل شهوت را ز زن

صحبت زن هست بیخ عمر کن  
زن چه باشد ناقصی در عقل و دین  
هیچ ناقص نیست در عالم، چنین  
دوران از سیرت اهل کمال

ناقصان را سخره بودن ماه و سال. (ص ۱۲۱) جامی در جای دیگری از مثنوی یادشده به گفت و گوی حضرت سلیمان (ع) و همسرش بلقیس اشاره می‌کند که «از مقام انصاف سخن گفته‌اند» و راز درون و خواست خود را مطرح ساخته‌اند. پس از اشاره به «راز نهفت بلقیس»، جامی چنین آورده است: «این بود حال زنان نیک خوی

از زن بد خو نشاید گفت و گوی  
سپس در تأیید نظر منفی خود نه درباره زنان به نظر او بد، بلکه حتی زنان خوب، به نظر فردوسی اشاره کرده بیان می‌دارد:

خواجہ فردوسی که دانی بخردش  
بر زن نیک است نفرین بدش  
کسی زن بد گونه، نیک آیین بود  
پیش نیکان در خور نفرین بود» (ص ۱۲۳)

در کنار دو تصویر عمده‌ای که در متون مختلف تحلیل محتوا شده به کرات به تصویر کشیده شده است و فرصت مقاله حاضر اجازه نمی‌دهد تا تمامی اشارات کتب یادشده مخصوصاً به

نحوی که در کیمیای سعادت، اخلاق ناصری، طوطی نامه، هزار و یکشب، نوش آفرین و نظایر آنها منعکس است، مرور شوند. هدف مقاله نیز تحلیل چنین تصاویری و بحث از منشأ آنها بویژه پدرسالاری و مردسالاری نیست. مهم آن است که چنین اشاراتی بویژه در کتب عامه پسندی که روزگاری از پام تا شام توسط نقالان و یا در شبهای ماه رمضان توسط سوادداران هر طایفه ای برای خرد و کلان، مرد و زن با آب و تاب فراوان نقل

می‌شده است (کتبی چون طوطی نامه، امیر ارسلان نامدار، سندیادنامه، هزار و یکشب و غیره) به تدریج به دو گرایش اصلی در ذهن عامه مردم شکل داده و به درونی سازی و تثبیت و پایدارسازی آنها منجر می‌شده است. گرایش اول که بویژه در ذهن مردان پدید می‌آمده است، زن را موجودی فریب کار، درس دهنده شیطان، دام شیطان و منبع خدعه و نیرنگ و در عین حال ناقص عقل، ناکامل، بر خاسته از دنده چپ مرد، منشا و علت کجروی مرد، ضعیف و متکی به مرد به تصویر می‌کشیده است که در عین حال مملو از تناقض است. مهمتر از این گرایش، گرایش دوم است که در ذهن زنان جای خوش می‌کند و تثبیت می‌شود. یعنی تأکیدات عنوان شیده به تدریج به باور بخش عمده‌ای از زنان منجر و خود را با تصویر یادشده همخوان می‌انگارند و به رفتاری مناسب آن دست می‌زنند. در عین حال «ذهنیت قربانی» و رفتار ناشی از چنین ذهنیتی نیز به بحث بالا اضافه می‌شود. باید توجه شود که تصاویر ارائه شده تصاویر تاریخی از زن است و حداقل تا انقلاب مشروطیت عمومی بوده است. در بررسی حاضر فعلاً به تغییر نگرش مرد و زن پس از انقلاب مشروطیت و شکل گیری نطفه جنبش اجتماعی زنان اشاره‌ای نمی‌شود. اما آثار چنین نگرش‌هایی در فرهنگ عامه تداوم پیدا می‌کند. چنانچه خواهد آمد در تحقیق کیفی تعدادی از زنان پاسخگو به وضوح اعلام کرده‌اند که مادران انسان از کودکی چنان ذهنیتی در مورد مرد، همسر آتی آنان و خانواده او، پدید آورده و در آنان نهادینه کرده‌اند و همخوان با چنین ذهنیتی رفتارهایی به ایشان آموخته‌اند که فرصت تجربه زندگی مشترک همراه با عشق، محبت و همدلی را برای ابد از آنان دریغ داشته‌اند. تعدادی از زنان تعلیمات مادران خود را به بهترین وجه تشریح کرده، نتیجه گرفته‌اند که به هنگام ازدواج، احساس ورود به میدان جنگی نابرابر داشته‌اند. مشابه همین ذهنیت نیز با تکرار تصاویر بالا از زن در ذهن مردان شکل گرفته و پایدار می‌شود. جملاتی چون «گریه را دم حجله باید کشت» از یک سو بر ضرورت ترس زن از شوهر و «با لباس سفید عروسی رفتن و با کفن از خانه شوهر بیرون آمدن» بر لزوم سوختن و ساختن تأکیدی مداوم و تکرار شونده دارند. البته در کنار تصاویر یادشده، تصویر دیگری از چند بانوی گرانقدر نیز در منابع و متون آمده است که بر متون ارزشمند دینی استوار است. تصویر حضرت مریم (ع)، مادر یحیی (ع) تعین دهنده، حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) نمونه این بانوان استثنایی‌اند. کافی است به تصویری که مولوی فریخته و مردی برای تمامی قرون که پس از چننه سده جهانی شده است از مریم مقدس ارایه کرده است توجه شود که چگونه نور الهی در کالبد او دمیده می‌شود و چگونه به هنگام زادن مسیح (ع) نخل خشکیده بار می‌دهد.

**به هر تقدیر پژوهش زنان بر پایه تحلیل محتوای متون بویژه متون عامه پسند، کوشیده است که اولاً ویژگی‌های زن در گسترده تاریخ ایران، حداقل تا مشروطیت را به تصویر کشد و ثانیاً به ویژگی‌های رفتاری زن و مرد که نتیجه مستقیم تصاویر ارائه شده و ذهنیت حاصل از آن است توجه نماید**

به هر تقدیر پژوهش زنان بر پایه تحلیل محتوای متون بویژه متون عامه پسند، کوشیده است که اولاً ویژگی‌های زن در گسترده تاریخ ایران، حداقل تا مشروطیت را به تصویر کشد و ثانیاً به ویژگی‌های رفتاری زن و مرد که نتیجه مستقیم تصاویر ارائه شده و ذهنیت حاصل از آن است توجه نماید. با چنین مقدمه‌ای ارائه یافته‌های تحقیق نخست با معرفی جداول یک بعدی یا جداول شناسایی، جداول دو بعدی یا جداول فرضیه آزمایی ناشی از مرتبط ساختن

شاخص‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از یک سو یا متغیرهای پایه‌ای شناسایی از سوی دیگر، آغاز و به فرجام رسیده است. در پایان تحلیل تحقیق پیمایشی یا کمی، جمع امتیازهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مجدداً به متغیرهای شناسایی ربط داده شده‌اند تا مثلاً مشخص شود که تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در گروه‌های سنی مختلف، در بین گروه‌های تحصیلی مختلف، در طبقات درآمدی مختلف و نظایر آنها به چه میزان است؟ سپس جمع امتیاز تصمیم‌گیری زنان به سه گروه امتیاز بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده مجدداً کوشش شده است تا معلوم گردد که جمع امتیاز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی (تصمیم‌گیری غیرمستقیم یا هدایت شوهر در جهت تصمیم مورد نظر زن)، در گروه‌های مختلف زنان به چه میزان است؟ در عین حال همانگونه که اشاره شده، با دادن امتیازهایی بر روی طیفی دارای دو قطب مدرن و سنتی، نمونه مورد بررسی طبقه‌بندی شده، مجدداً طبقه‌بندی سنتی و مدرن یکبار با شاخص‌های مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی تقاطع یا ربط داده شده و تحلیل گردیده است و سپس همان طبقه‌بندی سنتی و مدرن یا جمع امتیازهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در قالب امتیاز بالا، متوسط و پایین تقاطع داده شده است. توصیف جداول شناسایی و تحلیل جداول فرضیه آزمایشی مهمترین گام‌های پیمایش به حساب می‌آیند و مبنای نتیجه‌گیری محسوب می‌شوند. البته در مورد روابط تحلیل شده باید به بحث از معناداری رابطه و بررسی احتمال تصادفی بودن رابطه‌ها نیز پرداخت تا مشخص شود که واقعاً رابطه بین متغیرها وجود دارد، غیر تصادفی است و یا خیر.

پس از پایان گرفتن تحقیق کمی، بررسی و تحلیل تحقیق کیفی آغاز شده، در گام نخست هر آنچه در متن‌های پیاده‌شده، مصاحبه کیفی و گفت‌و شنود متمرکز گروهی قابل کمی کردن بوده است، کمی شده، جداول یک بعدی و دو بعدی مشابه پیمایش لیکن تنها قابل تمیم به زنان مصاحبه‌شده و شرکت‌کننده در گفت‌و شنود متمرکز گروهی، فراهم آمده، معرفی و تحلیل شده‌اند. پس آنگاه به تحلیل کیفی متون پیاده شده پرداخته و در پایان براساس نتایج تحقیق کمی و کیفی گزارش نهایی به همراه پیشنهادها به رشته تحریر درآمده است. مهمترین یافته تحقیق در کلی‌ترین سطح به قرار زیر است:

- ۱- زنان ایرانی در واکنش به «شرایط تاریخی»، «سپهر زندگی» و «تجارب روزمره»، دارای دو رویه یا بعد در زندگی زناشویی‌اند.
- ۲- زنان ایرانی یا حداقل درصد بالایی از آنان برعکس باور عمومی شده موجود، برخوردی به شدت فعال و پویا همراه با خلاقیت مثال‌زدنی به زندگی زناشویی دارند. این امر در مورد درصدی از آنان که کاملاً مورد ظلم قرار می‌گیرند با خشونت رویه‌رویند و دم بر نمی‌آورند نیز صادق است.
- ۳- در یک درصد بالایی از مردان ایرانی از زندگی مشترک زناشویی بسیار محدود، آکنده از پیشداوری‌های نادرست و زیاده‌اوار است.
- ۴- درصد قابل ملاحظه‌ای از زنان ایرانی تصمیم‌های جدی زندگی زناشویی را مستقیماً اتخاذ می‌کنند و درصدی از اقلیت باقیمانده، آگاهانه و با استفاده از سازوکارهای خلاق غیرمستقیم بر اکثریت فریب به اتفاق تصمیمات اثری تعیین‌کننده می‌گذارند. (پژوهش نزدیک به ۲۰۰ سازوکار یا مکانیسم و راهکار یا تاکتیک را جمع‌آوری کرده است که در ۷ گروه قابل طبقه‌بندی‌اند.)

۵- آموزش‌های لازم بویژه آموزش و مهارت‌های ضروری زندگی زناشویی برای مرد و زن در سطحی بسیار نازل قرار دارد و بنا برادست‌های نادرست نیز همراه است. پژوهش زنان به خوبی نشان

داده است که به باور درصدی از زنان شرکت‌کننده در تحقیق، مردان با ذهنیت‌های کاملاً نادرستی با زنان برخورد می‌کنند. سکوت زنان بر این برخوردها می‌افزاید.

۶- میزان آگاهی زنان نسبت به شرایط زندگی خود حتی در گروه‌های کمتر تحصیل کرده، ساکن روستاها و شهرهای کوچک بسیار فراتر از سطحی است که در مجموع از آن برداشت می‌شود. عدم آگاهی درصدی از شوهران از سطح آگاهی یادشده سبب اصلی فاصله بسیار شدید بین زن و شوهر است.

۷- درصد کمی از زنان در تمامی طول زندگی مکنونات قلبی خود را بروز می‌دهند ترس از تاج‌گوار، علت این امر اعلام شده است. در نتیجه به باور درصدی از زنان، گروهی از مردان هرگز برای شناخت واقعی همسر خود تلاشی نمی‌کنند.

۸- هر درصدی که چندین یا از نمونه، مردسالاری تاریخی به بدترین شیوه زن‌سالاری که بر اساس شرط و بی‌حد و مرز مردان استوار است، منجر گردیده این مسئله در بین تحصیل‌کردگان و آگاهی که اصطلاحاً مدرن خوانده می‌شوند، رایج‌تر است.

۹- درصد ناچیزی از زنان و مردانی که جایگاهی تعریف شده برای افراد خانواده تعریف کرده‌اند و آن جایگاه ظاهراً پذیرفته شده است (صرفنظر از ماهیت جایگاه و مزایای آن) به باور پژوهشگران از راه نسبی و تأمین قابل قبول معاش، زندگی زناشویی بسیار آرام و خالی از تنش دارند. این امر در خانواده‌های مذهبی که کسب معاش دینی را رعایت می‌کنند مشهودتر است. در نسل دوم چندین خانواده‌هایی کنش نسلی نیز مشهودتر است.

۱۰- کلمت‌های چیده در باب زندگی زناشویی، و خانواده با تحولات جامعه ایران همخوان نیست. از این روی آنها قادر به تبیین شرایط امروزی پدیده‌ها و نهاد یاد شده نیستند. نگاه غالب به زن تگاهی سخت ایستاست. (ادامه دارد)

پی‌نوشت:

- ۱- انجام پژوهش مورد بحث به موضوعی بس ارزنده و آموختنی انجامید که ذکر آن مفید تواند بود. نگارنده در تمامی تحقیقات میدانی خود در بیش از بیست سال گذشته (۲۴ پیمایش اجتماعی)، با مشخص کردن ویژگی‌های دانشجویان برای شرکت در تحقیق، هرگز به انتخاب آنان نپرداخته است. در صورتی که داوطلبان دارای ویژگی‌های تعیین‌شده میسای یا کمتر از تعداد لازم بوده است، تمامی آنان پذیرفته شده‌اند و در صورت افزون بودن دانشجویان، تعداد لازم به قید قرعه انتخاب شده‌اند. بر این اساس دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش زنان دارای سلیقه‌ها و سبک زندگی و نگرش‌های متفاوت بودند. پس از پایان گرفتن تحقیق به کرات به این نکته اشاره کردند که بر پایه پیشداوری‌های خود طیرغم گاه همکلاسی بودن برای چهار سال، هرگز حشر و نشیزی یا کسانی که در ظاهر با آنان مضافت بوده‌اند، نپرداخته و تنها در خلال تحقیق حاضر در کنار یکدیگر قرار گرفته و گاه دوستی پایداری بین آنان شکل گرفته و پاینده است. این نکته آموختنی نشان می‌دهد که در عرصه‌های کار و زندگی چگونه پیشداوری‌هایی که هرگز امکان ارزیابی درستی آنها فراهم نشده است، بی‌دلیل سبب جدایی، عدم تحمل دیگری بودن و مضافت بودن و کنار گذاشتن و به حساب نیآوردن شده است و چه دوستی‌های ارزشمند و پایداری فرصت ظهور نیافته است.
- ۲- مستشره در ماهنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روتق ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ که قط هفت یا هشت شماره منتشر گردید و به پایان عمر خود رسید.
- ۳- انتشارات کتاب فرزانه، تهران، چاپ اول ۱۳۶۲.
- ۴- نگاه کنید به مثنوی سلمان و اسباب به تصحیح زهرا مهاجری، تهران، نشری ۱۳۷۶.